

بسمه تعالی

اربعین نامه (کلیات، توصیه‌های سفر، مشاهدات)

قال الباقر(ع): إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَا قُتِلَ مَظْلُومًا، مَكْرُوبًا عَطْشَانًا، لَهْفَانًا
فَأَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنِبٌ وَلَا
لَا مَغْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا مَنْ بِهِ عَاهَةٌ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَتَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا نَفْسَ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ
وَغَفَرَ ذَنْبَهُ وَوَدَّ فِي عُمُرِهِ وَبَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ.

امام باقر علیه السلام: حسین، بزرگ مرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیب زده به شهادت رسید. پس خداوند، به ذات خود قسم یاد کرد که هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنهگار و اندوهناک و تشنه‌ای و هیچ بلا دیده‌ای به خدا روی نمی‌آورد و نزد قبر حسین علیه السلام دعا نمی‌کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی‌سازد، مگر این که خداوند، اندوهش را برطرف و حاجاتش را برآورده می‌کند و گناهش را می‌بخشد و عمرش را طولانی و روزی‌اش را گسترده می‌سازد. پس ای اهل بینش، درس بگیرید!

مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل ج ۱۰، ص ۲۳۹

اول) کلیات

راهپیمایی اربعین، درختی است که ریشه در خون سرخ حسین (ع) و شاخ و برگ در امید و انتظار سبز مهدی (عج) دارد. تعبیر حقیر از این راهپیمایی چند ده میلیونی "رزمایش بزرگ ظهور" است و تمرینی بر حضور در لشکر سید خراسانی در حرکت از ایران به سمت عراق. از طرف دیگر می‌بایست مظلومیت و معرفت حسین بن علی با شکست حصرهای سنگین خبری، عالمگیر شود تا ندای "ان جدی الحسین قتل عطشاناً" نیز برای جهانیان معنا پذیر گردد.

اگرچه بدوا در فروردین ۸۹ توفیق زیارت عتبات نصیب شده بود اما امسال افتخار داشتم اولین حضور اربعینی خود را در معیت همسر، فرزند و پدر و مادرم در عتبات تجربه و نکات آن را برای زوار سال‌های آتی ثبت کنم.

قبل از ارائه‌ی نکات مربوط به راهپیمایی اربعین، ابتدا در مقایسه‌ی ظواهر عراق ۸۹ با عراق ۹۴ باید بگویم در سفر اول که مصادف بود با حضور نیروهای آمریکایی، تعبیرم از عراق "پادگان و خرابه‌ای به وسعت یک کشور" بود. آن ایام در جای جای خیابان‌ها خودروهای نظامی هامر و در جای جای جاده‌ها سنگرهای نظامی مشاهده می‌شد. نیروهای آمریکایی

و خودروهای زرهی و غول پیکرشان در مرز مهران به چشم می‌خورد و سفر به سامرا توصیه نمی‌شد.

امسال البته هوایی رفتیم و شاخصی برای مقایسه‌ی مرز و مسیر زمینی ندارم، اما عراق را به طور محسوسی غیر پادگانی‌تر دیدم و البته ظاهر شهرها تقریباً همان بود، کثیف و فرسوده، جز اینکه ناوگان حمل و نقل شخصی کاملاً پوست اندازی کرده و با ماشین‌های مختلف وارداتی پر شده. در صدر همه بلاشک هیوندا و سپس بدون ترتیب تویوتا، کیا، شورولت، جنرال موتورز، فورد، ماشین‌های چینی و ایرانی (پژو ۴۰۵، پرشیا و تندر ۹۰ و بیش از همه پراید و سمند) به وفور مشاهده می‌شد.

در آثار و فواید پیاده روی اربعین برای ایرانیان علاوه بر جلای روح و برکات معنوی، باید گفت نمایشی از وحدت و قدرت اسلامی و خصوصاً شیعی بود و زوار و مسافران عزیز قدر و قدرت ایران را با سفر به عراق در خواهند یافت. "قدر" ایران را چون بعد از برگشت از کشور نمیه مخروبه‌ی عراق، ایران را بهشت خواهند دید، و "قدرت" ایران را چون فارسی را اغلب کسبه کم و بیش می‌دانند و ریال در کنار دلار و دینار وجه رایج بازار است، قاسم سلیمانی را احترام می‌کنند و حاکمیت عراق همواره ملاحظات جمهوری اسلامی را مد نظر قرار می‌دهد. اثر دیگر این راهپیمایی ۸۲

کیلومتری طبیعتا این است که مشقت حضور در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و روز قدس در چشم انسان خوار می‌شود.

به یکی از همسفران گفتم وقتی ما از نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود در عراق اینچنین به خود می‌بالیم، یک آمریکایی ضمن علم به قدرت نظامی سیاسی فرهنگی رسانه‌ای آمریکا وقتی می‌بیند در تمام دنیا برای مهاجرت به کشورش سر و دست می‌شکنند، زبانشان زبان بین‌المللی و پولشان ارز بین‌المللی است، محصولاتشان در تمام بازارهای جهان مشتری دارد و سیاستمداران و هنرمندانشان شناس عوام و خواص جوامع هستند، چه حسی دارد؟ و چرا نباید در اندیشه‌ی مادی خود، خویش را ارباب جهان و دیگران را رعیت آمریکاییان پندارد؟

از آنجایی که انگیزه‌ی شخصی اینجانب برای پیاده روی اربعین نشأت گرفته از سخنرانی‌های استاد پناهیان بود و ایشان تعریف و تمجیدهای فراوانی از راهپیمایی و مقام راهپیمانان داشتند، تا نیمه‌ی اول راه بسیار ناراحت و بد حال بودم!

بد حال از رفتار زنده‌ی برخی زاور ایرانی که بویی از انسانیت نبرده بودند! تصور "اصحاب حسین" و "منتظران ظهور" بودن آن جماعت کجا و آن همه رفتار شرم آور کجا؟

قبل از پرداختن به این موضوع لازم است با ذکر یک مصداق عینی، گلابیه‌ی خویش را مجسم کنم. در هیأت‌های محرم حتماً به وفور دیده‌اید افرادی را که با سینه‌زنی و احتمالاً اشک عزاداری می‌کنند و در عین حال بدون توجه به اینکه آیا غذا به دیگران رسیده است یا نه، چندین نذری را محض تبرک کف می‌روند! اگر در نهایت غذا به همه برسد نام کار این جماعت "رانت خواری" و اگر غذا به حتی یک نفر نرسد، نامش "دزدی" است. یعنی در یک زمان و مکان و از یک فرد دو عمل متضاد سر می‌زند، اولی مستحب و دومی حرام!

شهید آوینی در نامه به حاتمی‌کیا نوشته: «عادت، گورستان فرهنگ و ادب است و من در سفر حج به حق‌الیقین آزموده‌ام که چگونه عشق دیوارهایی سنگی جایگزین عشق خدا می‌شود و دینداران، حراست از ظواهر و عادات را با حراست از اصل دین اشتباه می‌گیرند. من در آن سفر دیده‌ام زاهدانی که قرب را با میزان طول سجود می‌سنجیدند. دیده‌ام که چگونه ظاهر نماز هر چند در برابر رکن یمانی، می‌تواند انسان را فرسنگ‌ها از باطن حقیقت دور می‌کند».

با این توضیح بی‌آنکه خود را از سیئات زیر مبرا بدانم، رفتاری که به وفور دیدم در یک کلام این بود که آنقدر "راه پیمایی" موضوعیت پیدا کرده

که من و ما برای اینکه این راه را به صحت و سلامت و بی زحمت و بدون مصیبت بپیماییم همدیگر را می‌دریدیم! از همدیگر جای خواب غصب می‌کردیم و پتو می‌دزدیدیم! کمترین کمکی به خدام ایرانی و عراقی نمی‌کردیم و خط پررنگی میان زائر بودن و خادم بودن کشیده بودیم! مفت از نذری عراقی‌ها می‌خوردیم و اندکی هم تشکر نمی‌کردیم. ما منت گذاشته بودیم که زائر شده ایم و آنان نیز وظیفه‌ی خدامی خود را انجام می‌دادند! به محل‌های توزیع غذا حمله می‌بردیم و صفوف عراقی‌ها را شکسته و نظم را به بی‌نظمی تبدیل می‌کردیم! اگر کسی نذری‌ای می‌داد که باب میلمان بود چندتا در بغل می‌گرفتیم و نگاه طالب دیگران به غنیمتی‌های خود را نیز محل نمی‌گذاشتیم. اگر "همراه" گم کرده‌ای، تقاضا می‌کرد که اجازه دهیم با موبایل مان تماس کوتاهی با همسفرش بگیرد، آنقدر عذر و بهانه می‌تراشیدیم که راهش را بکشد و گورش را گم کند!

اینکه ما چند نفر بودیم و این تعداد چه کسری از کل جمعیت را تشکیل می‌داد را نمی‌دانم اما می‌دانم که کمش هم زیاد است. به هر حال این رفتارهای زننده حالم را تا نیمه‌ی راه شدیداً گرفته بود. اما در اواسط مسیر یک اتفاق افتاد که همان را غنیمت شمردم و مثال نقضی پنداشتم تا همه

را با یک چوب نرنام و آن اینکه یک نفر که همچون من و بسیاری دیگر که جایی داخل موکب‌ها نیافته بود و در هوای باز و نسبتاً سرد بیرون شب را می‌گذراند، از دو پتوی موکب که روی خود داشت، یکی را به من داد، همین! آن فرد ایثاری نکرد چون قاعدتا هر پتو برای یک نفر در نظر گرفته شده بود، اما همین رعایت یک حق در میان آن همه ناحق، آنقدر جلوه داشت که آبی بر آتش غصه و غضبم از "ایرانی جماعت" بود. ناگفته نماند که اواخر راه تا حدودی دوگانه‌ی ایرانی زائر و عراقی خادم، در دیدم شکسته شد و صحنه‌ی هموطنانی که به انحاء مختلف گل زیارت را به سبزه‌ی خدمت یا به تعبیر درست‌تر سبزه‌ی زیارت را به گل خدمت آراستند به طور چشمگیری افزوده شد و این البته به جز موکب‌های ایرانی مستقر در طول مسیر بود که حقیقتاً خود را وقف خدمت به زوار کرده بودند.

به هر ترتیب قبل از ظهر ۱۱ آذر به بین الحرمین رسیدم و با احتساب حرکت در بعد از ظهر ۹م، تقریباً ۳ شبانه روز در راه بودیم.

دوم) توصیه‌های سفر

* پول نقد همراه داشته باشید و به موجودی داخل کارت خود تکیه نکنید. جز یک مورد که دستگاه خودپرداز در یک هتل ایرانی در کربلا مشاهده کردم و معلوم هم نیست که اسکناس داشته یا نه، دیگر هیچ دستگاه ایرانی‌ای در عراق ندیدم.

* دلار یا دینار خود را حداقل از یک ماه قبل از اربعین تهیه کنید تا به گرانی فصلی نخورید. دلار را در عراق بهتر می‌خرند، آنجا تبدیل کنید آن هم به دینار. زیرا قیمت‌هایی که به دینار اعلام می‌شود دقیق است اما معادل‌های ریالی آن دقیق و به نفعتان نیست. به عنوان مثال درحالی که صرافی‌ها به ازای ۳۰۰۰ تومان، ۱۰۰۰ دینار تحویل‌تان می‌دهند، اما اگر از یک مغازه دار بپرسید قیمت فلان جنس چقدر است احتمالا خواهد گفت ۱۰۰۰ دینار و ۳۵۰۰ تومان.

* در دستشویی‌های بین راه صابون کم یاب و صابون مایع تقریبا نایاب است. برترین نذری که می‌شود کرد و بهترین وسیله‌ای که برای خود و دیگران می‌توان همراه آورد چند عدد صابون مایع است. با عمل به همین توصیه، سلامت صدها نفر را تضمین خواهید کرد. زوار، خدام و آشپزها

کمتر از صابون برخوردارند و همین مسئله انگل و ویروس و اسپهال و استفراغ را به جان بسیاری می‌اندازد.

* پاییز به خودی خود فصل سرماخوردگی است چه رسد به اینکه در سرما بخوابیم و از آب و غذای آلوده استفاده کرده و خاک تنفس کنیم. به جوی که برخی منبری‌ها می‌دهند و مردم را به حضور با اهل و عیال تشویق می‌کنند توجهی نکنید و اگر کردید کسی را غیر از خودتان مقصر ندانید. به هیچ وجه حضور افراد مسن، کودکان و بیماران تنفسی، قلبی و عروقی توصیه نمی‌شود. قرار نیست همه در این راه شفا پیدا کنند، شاید مقدر باشد برخی هم در این راه قربانی شوند! سرماخوردگی و بیماری‌های ویروسی میان زن و مرد و پیر و جوان شایع بود.

* مرز مهران در رفت و برگشت شلوغ‌ترین بود. در صورتی که راه زمینی را انتخاب می‌کنید از جذابه و شلمچه استفاده نمایید.

* از اولین عمود (تیر چراغ برق) در نجف تا ابتدای جاده‌ی نجف-کربلا ۸۲ عمود وجود دارد و بعد از آن، مسیر بین نجف تا حرم حضرت عباس مجدداً از ۱ تا ۱۴۵۲ شماره گذاری شده است. فاصله‌ی هر عمود با عمود دیگر ۵۰ متر است. بنا بر تجربه‌ی شخصی هر ۱۰۰ عمود را می‌توان بدون توقف و با سرعت عادی ۱ ساعته پیمود.

* اگر توانستید در سحرگاه روز اربعین، از راه دور زیارت مختصری کنید و بلافاصله برگردید، این کار را بکنید در غیر این صورت فکر بازگشت را هم نکنید. در یک کلام باید گفت مبادی خروجی شهر در روز اربعین قیامت است و اگر خوش شانس باشید احتمالا در تراکم و فشاری بسیار جایی در پشت "کامیون" نصیب تان خواهد شد.

* در روز اربعین تراکم جمعیت بسیار زیاد است و این فشار وحشتناک نه تنها شامل داخل حرم می‌شود که دامنه‌ی آن به بین الحرمین نیز سرایت می‌کند. از تقریباً عمود ۱۴۰۰ حرم حضرت عباس(ع) نمایان است، اگر توانستید همانجا بعد از سلام و قرائت زیارتنامه‌ی اربعین، برگردید و زیارت مفصل را به چند روز بعد موکول نمایید تا از تراکم جمعیت و قیمت هتل‌ها کاسته شود.

* غیر از روزهای شلوغ و پر تراکم، مسیر نجف تا کربلا و بلعکس، با توجه به نوع وسیله از ون تا تاکسی، نفری ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دینار است. از قیمت روزهای شلوغ و اینکه آیا اساساً تغییری دارد یا نه اطلاعی ندارم.

* قیمت هر تخت در ایام غیر پیک در نازل ترین هتل‌های کربلا و نجف به ترتیب حداقل شبی ۲۰ و ۱۰ دلار است.

* یک راه ارزان و نسبتاً کم دردسر در رفت یا برگشت، پرواز از و به فرودگاه‌های آبادان و یا ایلام است.

* تجربه ثابت کرده روزهای آخر، مرز زمینی خروج باز می‌شود و به خط و نشان‌های ناجا هم اعتنایی نباید کرد.

* با دیدن سخاوت هیأت داران عراقی و غیر عراقی، برخی هموطنان را جو می‌گیرد و گمان می‌کنند اولاً همه و ثانیاً همیشه، اینگونه اند. ضمن اینکه برخی به همین دلیل در مراقبت از وسایل شخصی خود کوتاهی می‌کنند و نتیجه آن می‌شود که مقادیری وجه نقد حتی در جوار ضریح از آنان دزدیده می‌شود.

* اگر ارتباطات موبایلی برایتان اهمیت دارد و نمی‌خواهید هیچ وقت از آن محروم شوید حتماً در کنار سیم کارت ایرانی، سیم کارت عراقی هم تهیه کنید و اینترنت هر دو را نیز فعال نمایید. برخی ایام ارتباطات ایرانی قفل می‌کند و برخی ایام عراقی و برخی ایام هر دو. به وای فای‌های عمومی و بین راهی هم امید نیست. آنقدر کاربر دارند که احتمال اینکه حتی لحظه‌ای هم وصل نشوید زیاد است. علاوه بر عراق در قم و شهر ری حتماً سیم کارت‌های عراقی فروخته می‌شود.

* شارژ موبایل در بین راه به دلیل متقاضی بسیار عملاً ممکن نیست.
"شارژر همراه" و نیز سه راهی، همراه داشته باشید.

* به هیچ تازه مسلمان و تازه مذهبی شده‌ای راهپیمایی اربعین را توصیه نمی‌کنم. آنقدر شلوغی، بی‌نظمی، سختی و کثیفی خواهند دید که ممکن است از دین و شعائر دینی زده شوند.

* مراقب ویزا و بلیت قلبی باشید. سر بسیاری از این بابت کلاه رفته بود.
* اصولاً تهیه‌ی ویزای مانیفستی سریعتر و ارزان‌تر از ویزای انفرادی است.
هرچه تعداد نفراتتان در مانیفست بیشتر باشد هزینه‌ی آن به دلیل سرشکنی ارزان‌تر خواهد شد. البته مهمترین اشکال ویزای مانیفستی این است که اعضای گروه باید در عبور از مرز همراه هم باشند مگر در بازگشت زمینی به کشور که در آن صورت ظاهراً جدا بودن از گروه و در دست نداشتن برگه مشکلی به وجود نمی‌آورد. در هر حال خوب است یک کپی رنگی از مانیفست دست هر یک از افراد باشد.

* بعد و حتی شاید قبل از سفارت عراق، آژانس گردشگری "بهشت ریحانه ایرانیان" که طرف قرارداد سفارت است و تنها یک کوچه با آن فاصله دارد سریعترین راه دریافت ویزای عراق است.

* دستشویی بسیاری از موبک‌ها آفتابه‌ای است. حتما احکام آب قلیل را فرا بگیرید. اگر استفاده از آفتابه برای تان زجر آور است، یک شلنگ و سرشیر فلزی همراه داشته باشید. در موبک‌های بزرگتر و با ظاهری مرتب‌تر احتمال اینکه دستشویی‌ها شلنگ داشته باشد بیشتر است.

* برای اینکه هنگام خواب، در فضای باز و سرد بیرون نمانید چند راهکار توصیه می‌شود:

الف) استقرار در موبک‌ها قبل از اذان مغرب

ب) شب روی و استراحت در روز

پ) حرکت تا حوالی ۱۲ شب و پیدا کردن جای خواب در موبک‌ها. به دلیل اینکه برخی افراد نیمه شب برای پیاده روی خارج می‌شوند، احتمالا آن هنگام چند جای خالی پیدا می‌کنید. طبیعتا هرچه موبک بزرگتر و جمعیتش بیشتر باشد، احتمال اینکه چند نفر از آن خارج شوند بیشتر است.

ت) همراه داشتن چادر که البته به دلیل وزن زیادی که دارد توصیه نمی‌شود اما تضمین شده ترین راه برای زیر سقف خوابیدن است.

* اگرچه روش توصیه شده برای حرکت، از اذان صبح تا اذان مغرب و البته استراحت در هنگام اذان ظهر است. اما پیاده روی در شب محاسنی دارد. از جمله:

الف) خلوتی نسبی و امکان حرکت سریعتر

ب) پرهیز از گرمای روز و جلوگیری از عرق سوز شدن

پ) نداشتن دغدغهی جای خواب در روز

ت) نیاز کمتر به پتو و البسهی گرم. چراکه در حرکت، بدن سرمای کمتری به خود می بیند

* لباس گرم، کیسه خواب، ماسک و خصوصا چفیه و لیوان شیشه‌ای یا فلزی همراه داشته باشید. در شرایطی که بسیاری موبک‌ها چای را در استکان‌های شیشه‌ای می‌ریزند و آن را تنها در ظرف آب می‌شورند، احتمال انتقال بیماری زیاد است. برخی هم از لیوان‌های پلاستیکی استفاده می‌کنند که سرطان زاست.

* هرگز از آب‌های باز استفاده نکنند. هر کس از دوستان و اطرافیان که یک لیوان آب باز خورد از پا افتاد. اگر اندکی طاقت بیاورید حتما آب معدنی گیر می‌آورید.

* از آنجایی که تقریباً تمام ایرانی‌ها راهپیمایی خود را از نجف آغاز می‌کنند، تراکم و نسبت ایرانیان به دیگران در اوایل راه بسیار زیاد است که هرچه از مسیر بگذرد این نسبت کمتر می‌شود.

* بهترین موکب برای استقرار در نجف یکی مرقد شهید حکیم است و دیگری مسجد حنانه. مرقد شهید حکیم که کارکرد و وسعتش همانند مرقد امام خودمان است، ۳۰ دقیقه پیاده با حرم فاصله دارد و مسجد حنانه که در امتداد مرقد است ۴۰ دقیقه. ویژگی مسجد حنانه این است که از اماکن احتمالی دفن سر مطهر امام حسین است و دیگر آنکه محل ثابت سخنرانی‌های سالیانه‌ی استاد پناهیان می‌باشد که امسال علاوه بر ایشان، به حضور آیت الله صدیقی و میثم مطیعی نیز مزین شده بود.

* بنابر تجربه‌ی من و دیگران، حرم امیرالمومنین تا حرم امام حسین ۳ روز کامل راه است. برای کسانی که تند راه می‌روند حداقل ۲ روز و برای افرادی که کند یا کم راه می‌روند ۴ و حداکثر ۵ روز.

* هر سال لیستی از موکب‌هایی با خدمات خاص منتشر می‌شود که خوب است به آن‌ها توجه کنید. موکب‌های ایرانی، محل گمشدگان، خدمات وای فای، پزشکی و ...

* داروهایی نظیر پماد گرفتگی عضلات، پماد تاول و قرص و کپسول‌های سرماخوردگی را همراه داشته باشید. با همراه آوردن بیش از نیاز شخصی، کمک بزرگی به دیگران خواهید کرد.

* برای پیاده روی یک کفش مخصوص پیاده روی و یک دمپایی ساده همراه داشته باشید. کفش خود را از قبل تهیه کنید تا قالب پای شما را بگیرد و تاول نزیند.

* بهترین ساک، کوله‌ای است که چرخ و دسته داشته باشد. شانه‌ها اواخر و چه بسا اواسط راه بسیار اذیت می‌شود و چرخ‌های آن است که به دادتان می‌رسد. با این حال تا جایی که می‌توانید سبک بار باشید، وزن وسایل اضافی به سودمندی شان نمی‌ارزد.

* کوله و دمپایی هرچه رنگش جیغ‌تر بهتر. با کوله‌ی متفاوت همدیگر را در انبوه جمعیت بهتر پیدا می‌کنید. به دلیل تعداد بسیار زوار و نبود جاکفشی به تعداد کافی، خواهید دید که در ورودی‌های اماکن زیارتی تلی از کفش و دم‌پایی درست شده است. پیدا کردن کفش و دمپایی خود در آن میان مصیبت خواهد بود و احتمال اینکه به اشتباه کفش و دمپایی شما را هم دیگران ببرند زیاد است. دمپایی‌های خود را داخل هم کنید یا به نحوی

به هم گره بزنید تا گم و گور نشود. در این شرایط گاهی یک کیسه برای کفش به سختی پیدا می‌شود، همراه داشتن کیسه مفید است.

* حتی اگر بچه همراهتان نیست، کالسکه بهترین حامل وسایلتان خواهد بود، طبیعتاً کالسکه‌ای که قوام داشته و خودش سربار نشود. در ناهمواری‌های بسیار مسیر، چرخ کالسکه‌ی بسیاری از زوار در رفته بود!

* فریب پاکستانی‌های دله دزدی را که یا بلیت هواپیمای خود را گم کرده اند و یا پول و کیف پول شان را، نخورید. برخی نیز به راست یا دروغ خود را هندی معرفی می‌کنند. در هر حال شخصا سه پاکستانی نصییم شد که از قضا هر سه بلیت هواپیمای خود را گم کرده بودند و تقاضای چند صد دلار پول ناقابل داشتند!

* به جز آجیل، عسل و لیموترش که دو مورد اول آن ارزش غذایی بالایی دارد و حرارت بدن را در سرمای پاییزی بالا می‌برد خوراکی دیگری همراه نداشته باشید. لیموترش ضد حالت تهوع است و به گفته‌ی اطباء در ترکیب با عسل به داروی قوی ضد سرماخوردگی تبدیل می‌شود. از عسل طبیعی نیز علاوه بر مصرف خوراکی می‌توانید برای درمان زخم و تاول استفاده نمایید. به غیر از سه مورد مذکور (آجیل، عسل و لیموترش) حقیقتاً هیچ خوراکی دیگری نیاز نیست. طول مسیر نجف تا کربلا پر برکت است. البته

در برگشت از کربلا تقریباً تمام موبک‌ها جمع می‌شوند و دیگر نباید آمیدی به جا و غذای نذری داشت. در سامرا و کاظمین و نجف هم غذای نذری گیر آوردن بگیر نگیر دارد. شخصا در شهرهای مذکور با مشاهده‌ی کمبودهای غذایی ذهنم درگیر ۱۷۰۰ تن سیب زمینی دفن شده‌ای بود که می‌توانست کمک بزرگی به این جمعیت عظیم باشد.

* گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم" قبل از خوردن و نوشیدن، دفع کننده‌ی آلودگی و بیماری غذاست. به آن اهتمام داشته باشید.

* قبل از حرکت به سمت کربلا، با همسفرانتان عمودهایی را برای قرار در صورت گم کردن هم مشخص کنید.

* روی وسایل مهم تان نظیر کوله و موبایل، شماره همسفرتان را درج کنید تا در صورت گم شدن امید پیدا شدن آن وجود داشته باشد. بر گردن کودکانتان نیز کارت مشخصات و شماره تماس بیاویزید.

* نرم افزار arbaeen (www.yon.ir/RUEv) را روی گوشی خود نصب کنید، بسیار کاربردی و مفید است و اماکن مقدس و اعمال دینی آن را به صورت کامل شرح داده. کتاب "راهنمای مصور سفر زیارتی عراق" که کتابی مربعی شکل و تمام رنگی است نیز بسیار جامع و کاربردی است.

* غیر از پیاده روی می‌توان کار دیگری هم کرد و آن ذکر گفتن است. طی سه روز به راحتی می‌توانید ۱۰ هزار صلوات بفرستید.

* غذاهای نذری را در یک تقسیم بندی می‌توان به دو گونه تقسیم کرد. برخی که بعد از پخت و حرارت دیدن بدون دخالت دست عرضه می‌شود، مانند عدسی؛ و برخی که چه حرارت ببیند یا نه، با دست‌های عمدتاً آلوده و نشسته در تماس است، مانند فلافل. اگر سلامتتان برایتان مهم است تنها از نوع اول میل کنید.

* با وجودی که شخصا دست رد به هیچ غذایی نزدم اما به برکت ۳ روز راه پیمایی و دو هفته پیاده روی نیم ساعته تا حرم امیر المومنین، در نهایت ۴ کیلو وزن کم کردم. اگر تنها لقمه‌ای از غذای خود نیز کم کنید به وزن مطلوب و استاندارد خواهید رسید.

* در طول مسیر و خصوصا اوایل راه نجف به کربلا، عده‌ای از اهالی، از زوار برای اقامت و گذراندن شب در منزلشان دعوت می‌کنند. به هیچ کس مخصوصا خانم‌ها توصیه نمی‌کنم چنین دعوتی را بپذیرند. با یک دو دو تا چهار تای ساده خطر قتل و تجاوز را توسط نفوذی‌های داعش و یا افراد فاسد محتمل خواهید دید.

* خوب است موکب های ایرانی به جای چای، دمنوش "پونه آویشن" که خاصیت ضد سرماخوردگی دارد عرضه کنند.

* در فرودگاه عراق در برخی ساعات نفری ۱۰ دلار عوارض ورود می گرفتند و در برخی ساعات هم چیزی نمی گرفتند. اگر نمی خواهید این مبلغ را پرداخت کنید چند ساعت در فرودگاه صبر کنید تا شاید فرجی شود!

* در رفت به عراق، از دو هفته تا ۱۰ روز قبل از اربعین، و نیز در برگشت به ایران در روزهای ۲۷ و ۲۸ صفر، با مراجعه به سایت های فروش بلیت چارتر، ارزان ترین نرخ های بلیت هواپیما را خواهید یافت.

* به جز حوائج شخصی، حوائج اساسی امت اسلام و در رأس آن تعجیل در فرج حضرت (عج) را در طول زیارت مد نظر داشته باشید که خیر دنیا و آخرت و موجب قبولی دیگر حاجات نیز هست.

سوم) مشاهدات

* هنوز گرد و خاک پیاده روی اربعین فرو ننشسته، بسیاری پیاده از کربلا و دیگر جاها برای بزرگداشت ۲۸ صفر راهی نجف می‌شوند. موضوع وقتی جالب‌تر است که بدانیم در اعیاد غدیر و قربان و میلاد امام زمان هم این رسم تکرار می‌شود.

* در طول مسیر عکس‌های رسمی و غیر رسمی آقا بسیار کم بود که به نظرم متأثر از توصیه‌ی استاد پناهیان بوده. به موازات عکس‌های آقا، از تعداد تصاویر شیرازی هم ظاهراً به نسبت سال قبل به طور محسوسی کاسته شده بود.

* در شهرهای زیارتی عراق همچنان تصاویر مقتدا صدر و پدرش در صدر بود.

* مگس پر تعداد ترین جانور عراق است چنانکه انگار نیمی از مگس‌های عالم در عراق جمع اند!

* شخصاً معتقدم بهترین سوغات عراق در نجف است که خواص مادی و معنوی بسیاری برای آن ذکر گشته و قیمتی هم ندارد. "دهین" هم

نوعی حلوائی بسیار لذیذ است که مرغوب ترین آن با نام "احمد الیاسری" در یک مغازه در بازار بزرگ نجف و در نزدیکی حرم عرضه می شود.

* در اغلب فروشگاه‌های نجف و احتمالا کل عراق، برخی محصولات خوراکی وطنی به وفور یافت می شود که در رأس آن برخی محصولات کاله است. خصوصا ماست سون یا به تعبیر عراقی اش "سفن" بسیار طرفدار دارد. بندگان خدا هنوز نمی دانند این محصول در ایران سرطان زا اعلام شده است!

* سوسیس و کالباس در عراق مصرف و طرفدار ندارد.

* چای و قهوه‌ی عراقی بسیار غلیظ و تلخ است. چای عراقی همان چای دم کرده‌ی خودمان است با این تفاوت که به آن آب جوش اضافه نمی کنند و همان را در استکان‌های کوچک با شکر فراوان می خورند. قهوه هم عینا به همان شکل و بدون شکر مصرف می شود. اگر قصد خودکشی دارید کافیت فقط یکبار امتحان کنید!

* وسعت حرم‌های کربلا، نجف، سامرا و کاظمین جمعا به حرم رضوی نمی رسید.

* حرم امامین کاظمین بیشترین شباهت را به حرم امام رضا البته در وضعیت ۲۰ سال قبل حرم رضوی داشت و مجلل‌تر از حرم نجف و کربلا نیز بود. ظاهراً ارادت ایرانیان به امام هشتم، به پدر و پسر حضرت هم به صورت ویژه‌ای سرایت کرده.

* کمبود برق در عراق و قطع و وصل‌های مکرر عادی است.

* از ۲۰ صفر (اربعین) تا ۳۰ صفر (شهادت امام رضا) تنها ۱۰ روز فاصله است، از صمیم قلب آرزو می‌کنم برخی مشهدی نما(!)های اطراف حرم، فقط همین یک روز را سر زوار عراقی کلاه نگذرانند و تیغشان نزنند! موکب و مبیّت و غذای نذری پیش کش.

* اقدام بسیاری از هیأت‌داران عراقی در نذری دادن در ظرف‌های پلاستیکی کوچکی که تقریباً نصف یا یک سوم ظروف خودمان است موجب جلوگیری از اسراف و در خور تقدیر است.

* آب‌های معدنی نیز که عمدتاً به صورت لیوانی عرضه می‌شد بسیار مناسب است زیرا بدن معمولاً در یک وعده به بیش از آن احتیاجی ندارد و دیگر آنکه مقدار پلاستیک مصرف شده در هر لیوان در مقایسه با بطری‌های کوچک آب معدنی، بسیار کمتر است.

* لیوان‌های کاغذی تماماً دسته‌ی کاغذی به شکل دو بال داشت تا دست را نسوزاند.

* محل استقرار پلیس راهنمایی و رانندگی در عراق صندلی‌ای است که سقف آن به صورت یک کلاه پلیس بزرگ است.

* در نجف که بعد از بغداد و اربیل، ثروتمندترین شهر عراق است، هنوز در برخی جاها با الاغ آشغال‌ها را جمع می‌کنند!

* ارزش رسمی پول ایران و عراق برابر است چنانچه یک کارگر عراقی روزانه ۲۰ هزار دینار مزد می‌گیرد و هزینه‌های زندگی نیز همانند ماست. البته ارزش اسمی ریال به دینار چین است که هر ۱۰۰۰۰ دینار عراقی معادل ۳۰۰۰ تومان است البته در شرایطی که دلار ۳۶۰۰ تومان قیمت دارد. در واقع طی چند سال اخیر تورم عراق نزدیک صفر و نسبت دلار به دینار ثابت بوده و آنچه موجب تفاوت ریال و دینار است کاهش یا افزایش قیمت ریال در برابر دلار می‌باشد.

* ظاهراً در عراق و حداقل نجف، خودرو و خوراک بیشترین سهم را در سبد هزینه‌های خانوار دارد. صحنه‌ی خانه‌های فرسوده‌ای که جلوی آن ماشین‌های چند ۱۰ هزار دلاری و گران قیمت پارک شده فراوان است.

* به دلیل عبور چند میلیون زائر از جاده‌ی نجف کربلا، با وجود نظافت و جمع آوری روزانه، همیشه روی زمین در دو طرف مسیر پر از زباله‌های خشک است.

* قیمت و ارزش تاکسی‌های نجف از ۶۰۰۰ دلار (پراید) تا ۶۰ هزار دلار (دژ) متغیر است!

* در حرم سامرا و نجف در دو مورد لعن عده‌ای را به مقدسات اهل سنت شاهد بودم که واکنش تندی نسبت به این موضوع نشان دادم. خلاصه‌ی ماجرا اینکه ابتدا وقتی لعن یک فرد و همراهی یک جماعت را در حرم سامرا با فریاد خاموش کردم، فردی آمد و گفت از شجاعتت خوشم آمد و اینکه میان یک عده "کله خر" این چنین شجاعانه ظاهر شدی. اگرچه من نیز این جماعت را حقیقتاً همان گونه می‌دانستم اما آنجا و از آنها واکنشی به واکنش خویش ندیدم تا اینکه چند روز بعد در حرم علوی می‌اندار هیأتی بعد از روزه شروع کرد به چند سری لعن مقدسات اهل سنت با صدای بلند، آنجا نیز واکنش نشان دادم با این تفاوت که این بار لعن گویان را در حمله به خود دیدم! بعد از صحبت‌های من ولوله‌ای در جمع افتاد و چند نفر به چند نفر به جر و بحث پرداختند و نظم صحن به هم ریخت. مسئول انتظامات، می‌اندار و یکی از همفکرانم را به اتاقی برد

و من نیز به اسم مترجم و عملا برای نجات آن دوست ناشناخته، خود را وارد معرکه کردم. برایم خیلی جالب بود که آن میاندار گردن کلفت بعد از ورود به اتاق "انتظامات حرم" و نه "شکنجه گاه استخبارات بعث" اینچنین صدا و دستش می‌لرزید. این موضوع را به رویش آوردم و گفتم نه به آن نعره‌های نفرینت و نه به این صدای لرزانت!

دریافت فایل www.yon.ir/Fz7h :word

«هرگونه کپی و استفاده از تمام و یا بخشی از این نگاشته،

حتی بدون ذکر منبع، مطلقا جایز است»

التماس دعای فرج

سلامتی و طول عمر رهبر مظلوم انقلاب

و نابودی و مرگ دشمنان و بدخواهان اسلام و انقلاب